خارج فقه جلسه 23 - اقسام مندوحه در تقیه – 11/08/1401

موضوع: (مسح بر پا - اقسام مندوحه در تقیه - اقوال - ادله - اشکالات - صرف کردن مال برای رفع تقیه - اشکال استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مندوحه بر دو قسم است: یکی مندوحه عرضیه و دوم طولیه.

افراد مندوحه عرضیه مثل این است که در حیاط منزل به خاطر سرما نمی‌تواند مسح را انجام دهد اما در خود اتاق می‌تواند که اتاق نسبت به حیاط مندوحه می‌شود که آیا می‌تواند روی کفش در حیاط مسح بکشد یا نه؟ یا در صف نماز جماعت عامه گوشه‌هایی مثل آخر صف را انتخاب کند که خوف از ضرر نیست که این مندوحه عرضی می‌شود. اما افراد مندوحه طولی مربوط به اوقات و زمان است که اگر کسی اول وقت نماز نخواند و صبر کند تا آخر وقت عذرش برطرف می‌شود آیا باید صبر کند یا صبر نکند؟

لذا بحث این است که آیا مشروعیت تقیه مطلق است در مندوحه چه طولی و چه عرضی و یا اینکه مطلق نیست؟ دو قول است:

قول اول: در تقیه عدم مندوحه طولی شرط نیست اما عدم مندوحه عرضیه شرط است.

قول دوم: مطلقا عدم مندوحه شرط نیست و هو المختار لذا اگر کسی در اول وقت می‌داند که در اثنای وقت اضطرار و عذرش برطرف می‌شود می‌تواند تقیه کند و نماز بخواند یا اگر درجایی بتواند با مهر نماز بخواند اما بدون مهر نماز خواند اشکالی ندارد چون روایات ترغیب شیعیان به شرکت در نماز جماعت عامه نشان می‌دهد که مندوحه طولی و عرضی هم باشد باز هم می‌تواند با آن‌ها نماز بخواند خصوصاً که در برخی از روایات دارد نماز با عامه در صف اول مثل نماز پشت سر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و اگر مثل مرحوم شیخ انصاری ره این روایات را حمل به صورت عدم تمکن می‌کند تخصیص اکثر قبیح لازم می‌آید چون روایاتی در تقیه آمده که به مساجد عامه بروید.

بله مکاتبه ابراهیم ابن هاشم با امام جواد علیه السلام می‌فهماند که مندوحه عرضیه در تقیه نباید باشد چون امام جواد علیه السلام فرمودند که اگر چاره‌ای نبود شما مسح بر روی کفش را انجام بده فلم تجد بُدّا من الصلاة چون در عرض مسح بر کفش مسح بر پا است.

اشکال به این روایت: این روایت معارضه دارد با روایاتی که نماز پشت سر عامه را جایز می‌داند مثل روایت شحام:

متن روایت: محمد بن علي بن الحسين باسناده عن زيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: يا زيد خالقوا الناس بأخلاقهم، صلوا في مساجدهم، وعودوا مرضاهم، واشهدوا جنائزهم، وإن استطعتم أن تكونوا الأئمة والمؤذنين فافعلوا فإنكم إذا فعلتم ذلك قالوا: هؤلاء الجعفرية، رحم الله جعفرا ما كان أحسن ما يؤدب أصحابه، وإذا تركتم ذلك قالوا: هؤلاء الجعفرية، فعل الله بجعفر، ما كان أسوأ ما يؤدب أصحابه.[[1]](#footnote-1)

منها: وعنه، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن هشام الكندي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إياكم أن تعملوا عملا نعير به، فإن ولد السوء يعير والده بعمله، كونوا لمن انقطعتم إليه زينا، ولا تكونوا عليه شينا، صلوا في عشائرهم، وعودوا مرضاهم، واشهدوا جنائزهم، ولا يسبقونكم إلى شئ من الخير فأنتم أولى به منهم، والله ما عبد الله بشئ أحب إليه من الخباء، قلت: وما الخباء؟ قال التقية.[[2]](#footnote-2)

منها موثقه سماعه: ... فان التقیة واسعة و لیس شیی من التقیه الا و صاحبها مأجور علیها إن شاء الله[[3]](#footnote-3) (علت ان شاء الله این است که اگر طرف عملش را از بین نبرد که اگر از بین برد ماجور نیست)

مرحوم سید در عروه[[4]](#footnote-4) یک کلمه «نعم» در این مسئله دارد که می‌فرماید اگر در جمع عامه وضو می‌گیرد و می‌خواهد تقیه نکند اما مسح روی کفش را به آن‌ها نشان می‌دهد چون می‌داند که آن‌وقت کاری به او ندارند احتیاط و اقوی اینست که این کار را بکند که ظاهر روایت ابی الورد همین است که «الا من عدو» تقیه که عام است و هم شامل عدو دینی و دنیای است که به خاطر حفظ خودش هم شامل تقیه دینی و دنیایی است حتی روایاتی که دال بر شرکت در نماز جماعت آن‌هاست نشان می‌دهد که اگر می‌تواند به نوعی رفتار و حیله‌ای بکند آن را انجام دهد و مأمورٌ به واقعی را انجام بدهد که این موافق با احتیاط است که اگر انجام هم نداد اشکالی ندارد.

سؤال: صرف کردن مال برای رفع تقیه واجب است یا نه؟

مرحوم سید در عروه دارد که صرف مال برای رفع تقیه واجب نیست اما بذل مال برای رفع ضرورت واجب است و فرق بین این دو اینست که ضروریات عذر عقلی است و کسی که قدرت برداشتن اضطرار با مال دارد موضوع منتفی می‌شود و دیگر عذر عقلی نیست و سالبه به انتفاع موضوع است اما تقیه عذر عقلی نیست و از قبیل مانع شرعی است مثل اینکه یکی از شرایط وجوب، شرطی است که در خارج محقق نمی‌شود یا شرطی است که واجب التحصیل نیست و تقیه از اجزای فعل است لذا فعل و عمل با مندوحه باطل نیست.

بله ادله وجوب وضوی تام اقتضا دارد چه بذل مال برای رفع تقیه واجب باشد چون در روایات هست که اگر برای گرفتن وضوی تام مال بسیاری خرج شود واجب است خرج شود در روایت دارد ما ناراحت نمی‌شویم از اینکه برای وضوی تام مال زیادی خرج می‌کنید[[5]](#footnote-5) پس از این دلیل استفاده می‌شود که برای رفع تقیه هزینه بشود.

اشکال استاد: وجوب بذل مال ضرری است و قاعده نفی ضرر مخصص این ادله می‌شود بله در برخی جاها این قاعده نمی‌تواند لا ضرر شود مثل خمس و جهاد و زکات چون در آنجا تشریع این عبادات مالیه و بدنیه بر بذل مال و جان است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۵ باب ۷۵ ص ۴۷۷ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل ج ۱۱ ص ۴۷۱ ح ۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۵ ص ۴۵۸ [↑](#footnote-ref-3)
4. نعم لو أمكنه و هو في ذلك المكان ترك التقية و إراءتهم المسح على الخف مثلا فالأحوط بل الأقوى ذلك العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج‌1، ص: 215‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. (وسائل باب ۲۶ از ابواب تیمم) [↑](#footnote-ref-5)